با توجه به استفاده فراوان از آیات قرآن و اسماء مقدسه، رعایت احکام شرعی یادآوری می‌شود.

از امام موسی کاظم (ع) نقل شده است: هر که پیش از ستایش بر خدا و صلوات بر پیغمبر (صلی الله علیه وآله) دعا کند چون کسی است که بی زه کمان کشد.
تحف‌العقول ، ص ۴۲۵

واکنش دکتر حمید انصاری به ادعای مضحک «شبکه دشمنان حقوق‌بشر = بی بی سی»

بخش دوم «پاسخ به تازه‌ترین تزویر روباه پیر»

ادامه از صفحه اول:

❁ اسناد و شواهد قطعی در رد ادعاهای مستند بهتان بی. بی. سی از متن سخنان و نوشته‌های امام خمینی:

در برنامه بی.بی.سی با پخش چند حادثه تلخ و تکان دهنده در لابه لای تحلیل گویندگان سعی شده است تا بین وقوع این حوادث و دیدگاه امام خمینی درباره حفظ نظام پیوند زنند. در ادامه با نقل عین سخنان امام، منظور ایشان از حفظ نظام و اسلام را ملاحظه خواهید کرد که برخلاف اتهام بی.بی.سی، اساسا امام خمینی ارتکاب چنین اعمالی را نه تنها موجب حفظ نظام نمی داند بلکه با صریحترین عبارات اینگونه اعمال خلاف را اسباب سقوط نظام و موجب شکست اسلام و انحراف قطعی از مهمترین رسالت حکومت دینی که اقامه عدل و رفتار بر اساس موازین شرع و قانون می‌باشد معرفی کرده است. ابتدا نمونه‌هائی از مواضع ایشان درباره رفتار با مخالفین و مجرمین را نقل می‌کنم.

الف: نمونه‌هائی از نظرات امام خمینی درباره رفتار با منتقدین، مخالفین و حتی دشمنان، محکومین و محبوسین، و اسیران جنگی:

فراز زیر از سخن امام ۴ روز پس از انفجار نخست وزیری و شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر ایران به دست منافقین و در زمان اوج اقدامات تروریستی منافقین ایراد شده است. این فراز گویاترین سند بر رد بهتان رسانه انگلیسی است. ضمنا منظور امام از کلمه "اسرا" در عبارت زیر، دستگیر شدگان حوادث تروریستی سال ۱۳۶۰ می‌باشد:

« به تمام محاکمی که هستند و تمام دست اندرکارانی که هستند این مطلب را توجه بدهم که مبادا یک وقت این طور شرارتهائی که در ایران می‌شود مثل یک همچو قصه ناگواری که برای ما پیش آمد و دو نفر از بهترین جوانان و بهترین کارکنان ایران {شهید رجائی و شهید باهنر} از بین رفت، مبادا یک وقت کنترل خودشان را از دست بدهند و زاید بر آنچه حکم خداست و قانون اسلام است عمل کنند.

مبادا این اسباب این بشود که خشونت زیاد با اسیرها بکنند و با زندانیها بکنند و بدون دقت، بدون توجه یک وقت افرادی را بگیرند که - خدای نخواسته - گناهکار نبوده‌اند و گرفتار شده‌اند.

اسلام و مسلمین باید، مسلمین باید همان طوری که در اسلام هست با تأنی، با طمأنینه، بدون اینکه دست و پای خودشان را گم بکنند، به کار خودشان ادامه بدهند و با اسرا رفتار خوب بکنند و آنچه که قانون اسلامی اقتضا می‌کند با آنها عمل بکنند و هر گز با عصبانیت و با دستپاچگی کاری را انجام ندهند و به طور متانت و طمأنینه بر موازین قانونی و بر موازین اسلامی با آنها عمل بکنند. مبادا یک وقت شهادت عزیزان ما اسباب این بشود که با شدت عمل بیشتر از آن مقداری که باید با آنها عمل بشود، عمل بکنند. با زندانیان رفتار خوب می‌کنند و بیشتر کنند و با اسرا رفتار خوب می‌کردند و می‌کنند و بیشتر کنند.

و محاکم با قدرت هر چه تمامتر به کار خودشان ادامه بدهند. ... آنها هم با موازین قانونی و اسلامی عمل بکنند و مفسدین را به جزای خودشان برسانند و کسانی که بیگناه هستند از حبس خارج بکنند و علی‌ای حال، رفتارها، رفتارهای اسلامی باشد.

جمهوری، جمهوری اسلامی است، رفتارها حتی با کسانی که قاتل شناخته شدند، رفتار اسلامی باشد و لو اینکه با شدت عمل و شدت دید آنها را به جزای خودشان برسانند، اما فقط همان رساندن به جزا باشد و تعدی زیادتر نشود».

صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۱۴۹

«حکومت اسلام حکومت قانون است. اگر شخص اول مملکت ما در حکومت اسلامی یک خلاف بکند، اسلام او را عزلش کرده. یک ظلم بکند، یک سیلی به یک کسی بزند- ظلماً- اسلام او را عزلش کرده، او دیگر قابلیت از برای حکومت ندارد».

صحیفه امام؛ ج ۴، ص: ۳۹۸

«اسلام برای آن کسی که سرپرستی برای مردم می‌خواهد بکند، ولایت بر مردم دارد، یک شرایطی قرار داده که وقتی یک شرطش نباشد، خود به خود ساقط است؛ تمام است؛ دیگر لازم نیست که مردم جمع بشوند؛ اصلًا خودش هیچ است. اگر یک ظلم، اگر یک سیلی بزند، رئیس جمهور اسلام اگر یک سیلی بیجا به یک نفر بزند، ساقط است؛ تمام شد ریاست جمهوری اش دیگر؛ باید برود سراغ کارش. آن سیلی را هم باید عوضش را بیاید بزند توی صورتش! ما یک همچو چیزی می‌خواهیم».

صحیفه امام؛ ج ۴، ص: ۴۹۵

«حکومت باید یک حکومت عادل باشد و بین مردم هیچ ظلم نکند ... در حکومت اسلامی اگر یک نفر - مثلًا- یک شخصی را کشت، این را می‌گیرند و قصاص می‌کنند لکن یک سیلی اگر کسی به او بزند، آن یک سیلی باید انتقام کشیده [شود] برای اینکه این زاید بر آن مقدار است. یک روز حبس اگر کسی را حبس بکنند، بر خلاف نظام اسلام است. موارد خاصی دارد. گاهی حبس می‌شود. این طور نیست که هر کس را بردند از اول، مثل این حکومتهائی که الآن روی کار هستند، هر کس را که گرفتند، اول یک مدتی کتکش بزنند و مدتهائی کتک بزنند و حبس بکنند و زجر بکنند، و اینها بعدها هم که تفتیش کردند فهمیدند که اشتباه کردند، آن وقت بگویند ما «اشتباه» کردیم»!

صحیفه امام؛ ج ۵، ص: ۳۰

«... لکن وقتی مسلمان همین آدم جانی را می‌گیرد و حبس می‌کند، به دستور اسلام نباید زجرش بکند. محاکمه اش می‌کنند، جانی هست می‌کشندش. ... اسلام برای کسی که گناه ندارد؛ یک ساعت حبس قائل نیست. آنها هم که گناهکارند، یک فحش نباید به آنها بدهند؛ یک سیلی نباید به آنها بزنند».

صحیفه امام؛ ج ۷، ص: ۳۶۲

«به تمام اعضای کمیته‌ها و زندانبانها حکم می‌کنم که با زندانیان- هر که باشد- به طور انسانیت و اسلامیت رفتار کنند و از آزار و مضیقه و رفتار خشن و گفتار ناهنجار خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع و محکوم است و به بستگان زندانیان در روز معیّنی با مقررات، اجازه ملاقات دهند».

فرازی از پیام ۱۴ ماده‌ای امام خمینی،

صحیفه امام؛ ج ۶ ص ۲۶۳

« ما همه باید بدانیم که مجرمی که بالاترین جرم را دارد و به سوی چوبه دار می‌رود، جز اجرای حد شرعی احدی حق آزار او را لفظاً و عملاً ندارد؛ و مرتکب، خود ظالم است و مستحق کیفر.»

جالب این که امام خمینی در نهی قاطع از هرگونه شکنجه و کمترین تعرّض به زندانیان، حتی درباره شکنجه گران رژیم شاه که بعد از پیروزی انقلاب دستگیر شده بودند همان کسانی که بسیاری از مبارزین زیر شکنجه‌های وحشیانه آنها جان باخته بودند می‌فرماید:

«ما با همین اشخاصی که این طور شکنجه کردند، این طور آدم کشتند- ما سفارش کردیم که در حبسها حتی به [آنها] یک کلمه درشت نگویند. من اعلام کردم این را، اعلامیه داده ام، که حبسی {:زندانی} را در حکومت اسلامی- و لو هر چه مجرم باشد- حبسی را حق ندارند به اینکه گرسنگی بدهند، حق ندارند به اینکه یک سیلی به او بزنند، حق ندارند به اینکه او را شکنجه بکنند، حق ندارند که یک کلمه درشت به او بگویند. آن قدری که حقش این است که محاکمه اش بکنند، هر طور جرمی که دارد به آن جرم [مجازات] بکنند، جزا به او بدهند؛ بیشتر از این نه، زاید بر این نه».

صحیفه امام؛ ج ۷، ص: ۳۱۱

«زندان اسلامی باید روی همان موازین اسلامی باشد. همانی که حضرت امیر، ضربت می‌زند، بعد که می‌بردندش، سفارش می‌کند که این را از همان غذائی که خودتان می‌خورید بدهید».

«جان و مال و ناموس یک ملت در دست این قضات است و در دست این دادگاههاست و مسئول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می‌توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالح عمومی اسلام؛ نه آن که گناهکار است از او بگذرند، و نه آن که - خدای نخواسته - گناهکار نیست یک وقتی مبتلا بشود. ... اگر یک کسی یک آدمی است که گناهکار نبوده است، بدون وقفه او را تبرئه کنند و بدون وقفه او را آزاد کنند. قاضی باید این طور باشد، فکرش این طور [باشد] نه رئوف و مهربان باشد که جنایتکارها را هم به او رأفت کند، آن هم این جنایتکارهائی که یک نمونه اش را من و شما در چند شب پیش دیدیم و پشت انسان را لرزاند ... یک نمونه اش این بود که چند شب پیش از این دیدید که انسان نمی تواند بفهمد که یک آدم که از اول به فطرت الهی متولد شده است تا این حد جنایتش می‌رسد. تصور این معنا برای انسان مشکل است. من گمان ندارم که هیچ حیوانی نسبت به حیوان دیگر این طور بکند. خوب، یک همچو مسائل هست، آن وقت اگر چنانچه یک آقای قاضی رأفتش بگیرد که امثال اینها را با آنها ملایمت بکند؛ یعنی، نمی گویم که زاید بر آن مقداری که قضای الهی اجازه می‌دهد، أبداً - حتی یک سیلی نباید بزنند أبداً - حتی یک سیلی نباید بزنند - اما آنی که به حسب حکم شرع، حکمش قتل است، مسامحه نکنند. از آن طرف هم طوری باشد که اگر چنانچه یک نفر آدم بی گناه است، حتی مانع بشود از اینکه یک حرف تند به او بزنند. آنها هم که گناهکارند حق نیست به اینکه با آنها معامله غیر انسانی بکنند. آنها [که] مستحق قتل اند، باید قتل بشوند، مستحق اعدام اند، اعدام باید بکنند؛ اما زاید بر آن بخواهند کارهائی بکنند، این را بدانند که مسئول هستند.

و همین طور متصدیان حبسها و زندانها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاصی که در رأس هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند، باید این معنا را توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یک کسی که مستحق قتل است ما فحشش بدهیم؛ جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم؛ حق نیست؛ یعنی، قصاص دارد این. یک نفر آدم جانی که دارند می‌برند بکشندش، اگر شما یک سیلی بزنید، او حق دارد به شما سیلی را عوض بزند و خلاف شرع کردید. گمان نکنید که حالا که این آدم توی حبس آمده است، ما باید با او رفتار بد کنیم. ان شاء الله، نمی کنید و نباید بکنید.

و همین طور قضات محترم شرع، باید موازین را با دقت، با کمال دقت، موازین را عمل بکنند و- خدای نخواسته- یک وقت بر خلاف موازین اسلامی واقع نشود. مائی که مدعی هستیم که جمهوریمان جمهوری اسلامی است، احکام اسلام باید در این جمهوری اجرا بشود. یکی از امور مهم، قضیه زندانهاست. یکی از امور مهم، قضیه دادگاههاست، دادسراهاست، دادگستریهاست. اگر بنا باشد که حالا هم- خدای نخواسته- مثل زمان رژیم سابق، در دادگستریها کارهای خلاف شرع بشود، خوب، ما باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم».

صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص: ۴۲۵

«میزان، احکام اسلام است. در اجرای حدود، نباید از آن حدودی که حق تعالی فرموده است، پایینتر عمل بشود و نباید زیادتر. حتی آن کسی را که الآن محکوم به قتل شده است و دارند می‌برندش در جائی که او را بکشند، هیچ کس حق ندارد حتی یک کلمه درشت به او بگوید؛ اجرای حکم خداست. اگر کسی یک سیلی به او زد، او حق دارد در همان جا، یک سیلی برگرداند و باید هم دیگران کمک کنند تا او قصاص بکند. اگر یک درشتی کرد، آن کسی که درشتی کرده است تعزیر لازم دارد، باید قوه قضاییه تعزیر کند او را».

صحیفه امام؛ ج ۱۹، ص: ۳۲۶

«درباره زندانیان عنایت خاص داشته باشند که نه از مستحق حدود و تعزیرات شرعیه از مجازات الهیه بدون مجوز شرعیه صرف نظر کنند و نه خدای نخواسته غیر مستحقی مظلوم واقع شود نه ساده اندیشی کنند که منحرفین و مفسدین رها شده و به فساد خود ادامه دهند و نه کسانی که چنین نیستند حتی یک روز دربند باشند نه تحت تأثیر عواطف و جوسازیهای بیمورد واقع شود و از اجرای احکام خدا سر پیچد و نه با جوسازیهای منحرفان و انتقامجویان، بر خلاف موازین الهی از رحمت بر بندگان خدا دریغ کند که هر دو طرف افراط و تفریط بر خلاف عدل الهی است ... بنا بر این، اعتنا به این امور و خدای نخواسته خروج از اعتدال و عدالت الهی و صراط مستقیم انحراف است و اجتناب از آن، وظیفه الهی است».

صحیفه امام؛ ج۱۹ ص ۱۵۶

❁ «شورای عالی محترم قضایی- دادستان محترم انقلاب اسلامی

اخیراً گزارشهائی می‌رسد که افراد غیر مسئول، و احتمالًا از گروههای منحرف، و گاهی مقامات مسئول بر خلاف مقررات اسلامی و قانونی متعرض اموال و املاک محترمِ مردم می‌شوند و به طور سرخود به تقسیم املاک و مصادره اموال اشخاص می‌پردازند؛ و گاهی به منازل اشخاص بدون مجوز شرعی و قانونی وارد و آنان را جلب می‌نمایند؛ و اگر شخص مورد نظر نباشد، بستگان و زن و فرزند او را جلب می‌کنند؛ و گاهی به بهانه‌هائی هتک آبرو و حیثیت اشخاص را می‌نمایند؛ و با این اعمال غیر شرعی هتک جمهوری اسلامی و مقامات قضائی را می‌برند. مقرر فرمایید سازمان بازرسی کل کشور با سرعت عمل رسیدگی کرده به مقامات قضائی گزارش دهند و اگر شکایاتی به دادستانیها رسید، با سرعت رسیدگی نمایند؛ و اشخاص یا گروههائی که مرتکب این نحو اعمال غیر شرعی و غیر قانونی می‌شوند احضار و پس از اثبات جرم به مجازات برسند. و لازم است این جانب را از مسائل مذکور مطلع نمایید».

یادآور می‌شوم تاریخ صدور بخشنامه فوق ۱۶ آذر ۱۳۶۰ است و در زمان ادامه ترورها و جنایتهای منافقین صادر شده است.

«و من اعلام می‌کنم که هر کس از افراد ملت ما اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت ما وارد بشود مثل سایر افرادی که هستند، آنها در پناه اسلام محفوظ هستند. ولی ما این قدر ساده اندیش نیستیم که کسانی که اسلحه دارند و اتاق جنگ دارند آنها را هم وارد بکنیم در بین کشور خودمان»

صحیفه امام؛ ج ۱۳ ص ۵۱۱

« اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است؛ و از آزادی بیان و قلم نمی هراسد، و از طرح مکتبهای دیگر، که انحراف آنها در محیط خود آن مکتبها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد. شما دانشجویان محترم! نباید با پیروان مکتبهای دیگر با خشونت و شدت، رفتار و درگیری و هیاهو راه بیندازید. خود با آنان به بحث و گفتگو برخیزید، و از دانشمندان اسلامی دعوت کنید با آنان در بحث بنشینند، تا تهی بودن دست آنان ثابت شود.»

صحیفه امام؛ ج ۱۰ ص ۸۶

در برنامه بی.بی.سی ابتدا به این نسبت ناروا به امام خمینی داده می‌شود که او معتقد به حفظ نظام به هر قیمتی بوده و در ادامه گوینده مدعی شده است که "بسیاری از تهمت‌هائی که بر علیه منتقدان حکومت زده می‌شود به این صورت توجیه می‌شوند که وقتی پای دفاع از جمهوری اسلامی در میان باشد ملاحظاتی در حد آبروی افراد از اهمیت زیادی برخوردار نیست". داوری خوانندگان محترم درباره این ادعا با تأمل در عبارت سخن امام آسان است:

«من برای روحانیت که نگهبان اصیل اسلام است نگران هستم و خوف آن دارم که کسانی که کفالت امری از امور کشور را دارند، خصوصاً دادگاهها و کمیته‌ها و دادستانیها با رفتار بعضی از آنان و لو به واسطه عدم توجه به موازین اسلامی، وجهه روحانیت، این سنگر اسلام، پیش ملت مشوه بشود و با شایعه سازیها و تهمتها از طرف مخالفین با اسلام یا با روحانیت، یک امر جزئی، چندین برابر به نمایش گذاشته شود. ... این جانب جداً از رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور و انقلاب و شورای عالی قضائی می‌خواهم هیأتهائی مرکب از اشخاص عالم، مؤمن و متعهد تشکیل دهند تا دادگاههای کشور را رسیدگی نمایند و قضات غیر صالح و دادستانهای منحرف را کنار گذاشته، و اگر به مال و یا آبروی اشخاص تعدی نموده‌اند محاکمه نمایند. سستی در این امر مهم و مسامحه در آن، خطر عظیمی است برای جمهوری اسلامی که هر چه بگذرد، ناراحتی زیاد و خطر افزون می‌شود.

- گاهی شنیده می‌شود که بعضی از پاسداران در بعضی از نقاط کشور از طریق اعتدال و شرع خارج و از مأموریت قانونی خود، تجاوز در اموری که مربوط به دادگاهها یا نهادهای دیگر می‌باشد، دخالت ناروا می‌کنند. بر رؤسای پاسداران در سطح کشور است تا از این نحو دخالتها که خلاف قانون و خلاف طریقه اسلام است، جلوگیری و خودداری نمایند؛ و اگر بعضی اشخاص، این نحو دخالتها می‌کنند- و ممکن است از گروههای منحرف در بین آنان رخنه کرده باشند- آنان را تصفیه نموده؛ و اگر خلاف انجام داده اند، تحویل دادگاهها نمایند. بر شورای عالی سپاه لازم است این حرکات را تحت نظر گرفته و نگذارند تا این ارگان فداکار مؤمن و متعهد، حیثیت خود را در بین ملت از دست بدهد. نفوذ افراد بعضی از گروهکهای منحرف و اعمال خلاف عقل و شرع آنان، خدای نخواسته این جوانان عزیز انقلابی را بدنام می‌کند. بر رؤسای سپاه پاسداران است که در سراسر کشور از انحرافات اشخاص جلوگیری نمایند».

صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص: ۲۵۴

«عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.»

صحیفه امام؛ ج ۱۷ ص ۱۴۰

«از اموری که هر چه بیشتر باید به آن توجه شود رفاه حال زندانیان است. چه گروههائی که بر ضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بیگناه کوچه و بازار را به خاک و خون کشیده اند؛ و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره فرزندان کشور را به فسادکشانده‌اند؛ و چه سایر گناهکاران. اینان اکنون اسیران شما هستند، و به دست خود به اسارت کشیده شده اند. با اسرای خود، چه اینان و چه اسرای جنگی، رئوف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید؛ و زندانها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید، ... که باب رحمتْ گنهکاران را بهتر جذب می‌کند».

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص: ۳۴۴

«قوه قضائیه، که ملجأ و پناهگاه مردم ستمدیده است، قوه‌ای است مستقل؛ و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد. ... دستگاه قضائی و قضات محترم توجه داشته باشند که در حساسترین مکانِ نظام خدمت می‌کنند. خیلی سعی کنند تا حتی اشتباهی انجام ندهند. و در صورتی که متوجه اشتباه شدند، به هیچ وجه از برگشت از حکمشان خجالت نکشند؛ که خجالت در پیشگاه خداوند متعال بسیار سنگینتر از خجالت از مردم است. سعی کنند با کمال دقت و مهربانی و قاطعیت با تمام افراد مواجه گردند، تا مردم از آنان راضی گردند؛ که رضایت مردم رضایت خداوند را به دنبال دارد. قضات محترم سعی کنند مردم را بی جهت معطل ننمایند و هر چه زودتر به کار آنان رسیدگی نمایند». صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص: ۳۳۷

«دادگاههای سرتاسر کشور توجه داشته باشند که در دادگاه، خدای تبارک و تعالی را در نظر بگیرند و از اشتباهات و خطاها و انحرافات پرهیز کنند و در اموال و نفوس مردم با احتیاط رفتار کنند، که اگر- خدای نخواسته- یک بیگناهی به دست اشخاص، مجرم حساب بشود یا جزائی برای او تعیین بشود، این در دستگاه الهی بسیار بزرگ است و جواب ندارند بدهند».

صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص: ۴۴۹

و مهمترین سند قطعی بر خلاف واقع بودن ادعای بهتان بی.بی.سی، پیام هشت ماده‌ای امام خمینی است.

پیامی که منشور افتخارانگیز پیروان ایشان است. این پیام در زمانی صادر شده (۲۴ آذر ۱۳۶۱) که تروریست‌های سازمان منافقین دست به انفجار و کشتار چندین هزار شهروند بی گناه زده و افزون بر آن رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس دیوانعالی کشور و دهها تن از نمایندگان مجلس و مسئولین سطح بالای نظام و چندین تن از برجسته‌ترین شخصیتهای دینی کشور نظیر شهدای محراب را ترور کرده بودند. در نمونه‌هائی در مقیاس یک صدم این جنایات تروریستی را که همین چند سال اخیر در برخی از کشورهای غربی بوسیله گروه تروریستی داعش به وقوع پیوست، ملاحظه کردیم که چگونه دولتهای غربی برای حفظ امنیت کشورشان بسیاری از قوانین مربوط به حقوق شهروندان را برای روزها و حتی ماهها تعلیق کردند و گذشته از خشن ترین روشها در میدان رویاروئی با تروریستها، با شدیدترین روشها با مظنونین احتمالی نیز برخورد کردند. تصور کنید اگر فجایعی که به دست منافقین در سال ۶۰ و ۶۱ در ایران پدید آمد در آمریکا و اروپا اتفاق می‌افتاد دولتها چه شرایط امنیتی را در کشورشان برقرار می‌ساختند. گواه ما: اتفاق تلخ حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر است که در آن فقط شهروندان عادی جان باختند- که در حد یک سوم کشته‌های ترورهای منافقین در ایران بوده است-؛ پیامدهای فضای امنیتی شدید آنرا هم در آمریکا و هم در لشکرکشی به افغانستان و عراق مشاهده کرده ایم. در ایران اما، امام خمینی در همان اوج ترورها- آنهم در شرایطی که دفاع در جنگی نابرابر را تجربه می‌کردیم- نه تنها اجازه نداد، شرایط عادی کشور و حدود آزادیهای قانونی مردم به بهانه برخورد با منافقین دستخوش شدت عمل نهادهای امنیتی و انتظامی و قضائی شود، بلکه در چنین شرایطی است که امام خمینی به رساترین و قاطع ترین بیان ممکن بر رعایت حد اعلای موازین قانونی و شرعی در مسیر پیگیریهای ضروری این نهادها تأکید فرموده و نه صرفا از موضع تذکر اخلاقی بلکه به عنوان دستور العمل حکومتی، نظر خویش را ابلاغ می‌فرماید. نکته مهم این پیام که پاسخی روشن به ادعاهای دروغ بی.بی.سی است اینکه حضرت امام مفاد این پیام را در راستای حفظ نظام اسلامی و اسلامیت آن مطرح کرده است.

از خوانندگان محترم جدّا تقاضا دارم در محتوای این پیام تأمل کنند و آموزه‌های آنرا با آنچه که بی.بی.سی ادعا کرده و گفته است: "سراندیشه بنیانگذار جمهوری اسلامی حفظ نظام و اسلام به هر قیمتی بوده است"! بسنجند. متن پیام امام چنین است:

«در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگانهای دولتی بویژه دستگاههای قضائی و لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق، لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان شاء الله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند:

۱- تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضائی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتر برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد، که کار قوه قضاییه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود، و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.

۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستانها و دادگاهها با سرعت و دقت عمل شود تا جریان امور، شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد. و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بیطرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکال تراشیهای جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزشهائی که در رژیم سابق داشته اند، مگر آنکه با قرائن صحیح معلوم شود که فعلًا نیز کارشکن و مفسدند.

۳- آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاههای انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند. و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضائی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.

ادامه در صفحه ۵

نگاهی به یادگارهای قرآنی آیت الله هاشمی رفسنجانی

ادامه از صفحه اول:

❁❁ فرهنگ قرآن

دومین اثر قرآنی مرحوم آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی - که زیر نظر آن مرحوم و با استفاده از روش و تحقیقات «تفسیر راهنما» تألیف شده است - دوره ۳۳ جلدی «فرهنگ قرآن» مُعجم معنایی معارف و مفاهیم قرآن کریم و کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن است که به شیوه‌ای نو و به صورت الفبایی - موضوعی سامان یافته است.

❁ این کتاب حاوی هزاران موضوع قرآنی است که در ۳۳ جلد تدوین شده است. این مجموعه که بزرگ‌ترین فرهنگ مفهومی موضوعات قرآنی است، علاوه بر نقش اطلاع‌رسانی در زمینه معارف قرآن، خود نوعی تفسیر موضوعی به شمار می‌آید.

❁ این معجم معنایی، یکی از بزرگترین و جامع‌ترین معاجمی است که تا کنون تدوین شده است.

ایدهٔ اولیه این اثر توسط اکبر هاشمی رفسنجانی پیش از انقلاب اسلامی ایران مطرح شده‌است، و در نهایت توسط واحد «مرکز فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» کار پژوهشی آن انجام یافته، و منتشر گشته است.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، در آغاز فعّالیت خود برای تکمیل برداشت‌های تفسیری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی کار تدوین تفسیر راهنما را با روشی نو آغاز کرد که در ۲۲ جلد انجام شد. در این تفسیر، بیش از ۶۰ هزار فیش و برداشت از قرآن بر اساس ترتیب آیات، گرد آمده است که همه دارای نمایه بوده، از فهرست موضوعی جامعی برخوردار است.

در مرحله بعد، به منظور راه‌یابی آسان به موضوعات و مفاهیم قرآنی، این فیش‌های با افزودن اطلاعات تکمیلی در پژوهش جدید، بر پایه نظام الفبایی طبقه‌بندی شد و با نام «فرهنگ قرآن» عرضه شده‌است.

در گام بعدی، با استفاده از پژوهش‌های یاد شده، و هماهنگ با آن‌ها، در جهت پرداختن نظام‌واره به موضوعات قرآنی، برای هر یک از عناوین و مدخل‌های فراهم آمده، مقاله‌ای نگاشته شده، و «دائرة‌المعارف قرآن کریم» نام گرفته‌است.

قرار است بر اساس این دائرة‌المعارف، تفسیر موضوعی جامعی شامل همه مفاهیم قرآن نگاشته شود.

❁ ۷ آذر ماه سال جاری، خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، از قول محسن هاشمی نوشت: امسال شاهد انتشار چاپ دوم کتاب‌های قرآنی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که شامل تفسیر راهنما و فرهنگ قرآن است در ۵۳ جلد خواهیم بود.

ادامه دارد